

مقایسه چوقای بختیاری و چوقای طبری

ملیحه صفار خوزانی
دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس
دانشگاه علم و فرهنگ تهران

۰۹۱۳۸۹۵۱۷۷۳

Malihesaffar.art@gmail.com saffarm007@gmail.com



مربوط به واحد درسی تجزیه و تحلیل منسوجات ایران.

استاد راهنما: دکتر شهره فضل وزیری (عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ تهران از سال ۱۳۷۶ در گروه طراحی پارچه)

نشریه ی مطالعات تطبیقی هنر وابسته به دانشگاه هنر اصفهان (دکتر فرهنگ مظفر، دکتر مهدی حسینی)

Mth.aui.ac.ir

چکیده

چوقا نام پارچه ای بافته شده توسط زنان عشایر در مناطق مختلف ایران همچون: لرستان، کرمانشاه، مازندران، اصفهان و... است که با دستگاه بافندگی داری یا خوابیده بافته می شود و پس از برش و دوخت آن تبدیل به بالاپوش مردان می گردد. مواد اولیه آن از پشم گوسفندان است؛ به همین دلیل عایق حرارتی بوده و باعث می شود در تمامی فصول قابل استفاده باشد. بافت ابعاد چوقا بین اندازه های (۷۰در۷۰) و یا (۵۰ در ۳۵۰) و یا (۵۰ در ۲۵۰) متغیر است. در پژوهش های زیادی تنها از یک نوع چوقا در لرستان نام برده شده که مربوط به لباس مردان ایل بختیار است؛ ولی بررسی ها نشان داده که نمونه ای دیگر از آن در مناطق روستایی شمالی ایران نیز در حال بافت و مورد استفاده مردان آن منطقه قرار گرفته است. علت وجود دو نوع چوقا در مناطق مختلف ایران با تمایزها و تشابهات زیاد، هنوز مبهم مانده ولی با مقایسه این دو می توان به شناسایی بهتر منسوجات سنتی ایران پرداخت و نقشی در احیای آن داشت. هدف از این پژوهش، شناختن و شناساندن دو نوع از دست بافته های در حال فراموشی به نام چوقای بختیاری و چوقای طبری است که در نام و بعضی محتوا مشابه و در بعضی موارد دارای تمایز است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-تطبیقی می باشد. نتایج پژوهش ها نمایانگر این است که هر دو چوقا دارای نام، مواد اولیه، نوع بافت، میزان استحکام و نوع کاربرد مشابه به یکدیگر بوده و از لحاظ نوع نخ ریزی، دستگاه بافندگی، طرح و رنگ و مدل بالاپوش تفاوت های چشمگیری دارند.

کلید واژه ها: چوقا، بختیاری، طبری.

مقوله پوشش و لباس از جمله مسائلی است که بشر همواره در زندگی خود با آن در ارتباط بوده است و به عنوان یک نیاز ضروری و جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی به آن می نگریده. لباس در زندگی روزمره انسان ها نیز کارکردهای متنوعی داشته است. در بعضی از جوامع، پوشیدن پوشاک خاص در مراسم ها و مناسک ها ارجحیت زیادی دارد. مثلا چوقای بختیاری که بالاپوش مردان عشایر غرب ایران است و با قدمت ۱۵۰ ساله به عنوان یازدهمین اثر صنایع دستی در فهرست آثار ملی ثبت شده و در جشن ها، اعیاد و مراسم گوناگون دیگر رواج دارد. بسیاری از افراد بر این اندیشه اند که چوقا فقط نام یک لباس و نماد مردان ایل بختیاری است؛ در صورتی که تحقیقات نشان داده که چوقا تنها نام یک نوع پارچه با بافت تاری و پودی تافته است که توسط بانوان عشایری و روستایی تهیه می شود و با نقش اندازی متفاوت در مناطق مختلف ایران کاربرد زیادی دارد.

گمان می رود که این نوع پارچه چنانچه در همه جای ایران با مواد اولیه پشم و نوع بافت تافته توسط ماشین بافندگی بافته شود به نام چوقا خوانده می شود و مورد استفاده مردان زحمت کش عشایر قرار می گیرد. خواص این نوع پارچه برای بالاپوش مردان کوچ نشین بسیار مناسب بوده و به همین دلیل در مناطق مختلف ایران مورد استفاده قرار گرفته است.

چون این پارچه با پشم گوسفند و بره تهیه می شود، خواص عایقی پیدا کرده و در سرما و گرما قابل استفاده است و از نفوذ باران به آن جلوگیری می کند. همچنین از لحاظ پزشکی جهت درمان و بهبود بیماری ها ی نظیر رماتیسم مناسب می باشد.

این پارچه با بافت تافته، بافته می شود و به علت درگیری زیاد تار و پود، استحکام آن افزایش یافته و طول عمر بیشتری در مصرف پیدا می کند و به همین دلیل بیشتر مورد استفاده مردان عشایر بوده و در سختی راه کوچ نشینی از بدن آنها محافظت می کند.

با توجه به این که هر دو چوقای بختیاری و چوقای طبری دارای قدمتی بیشتر از صد سال است و برگرفته از پوشاک سنتی ایرانی است، دست یابی به این مهم که با بررسی تمایزها و تشابهات آن دو می توان به شناخت بیشتر پوشاک سنتی و اصیل ایران کمک کرد؛ هائز اهمیت است و نقش مهمی در احیای آن دارد.

این تحقیق بر اساس آشنایی قبلی به موضوع مورد بحث صورت گرفته است. همچنین مبتنی بر مطالعه ی منابع و مآخذ و مصاحبه با بافندگان پیشکسوت بوده است. ضمن کار معلوم شد که اطلاعات مکتوب در منابع تحقیقاتی منطقه مازندران بسیار محدود بوده و بعضی از محققان در گذشته، اطلاعات مربوط به چوقا را به طور ناقص و گاه اشتباه منتشر کرده اند.

پیشینه تحقیق

در مورد چوقای بختیاری منابع بسیاری وجود دارد. مثلا نویسندگانی همچون فرحناز قاضیانی که در سال ۱۳۷۶ و در کتاب (بختیاری ها، بافته ها و نقوش) به طور جامع و کامل در مورد چوقای بختیاری صحبت کرده و درمقالات زیادی همچون (زنان بختیاری: آفرینندگان چوقا) به نوشته محمد افروغ در سال ۱۳۹۷ در مجله پژوهش در هنر و علوم انسانی نیز ثبت شده است. ولی در مورد چوقای طبری منابع بسیار محدود و اندک بوده و تنها یک پایان نامه در مورد آن نوشته شده و خلاصه آن در ضمیمه کتاب (طراحی و بافت پارچه) توسط جواد نوری و سهیلا غلامرضا پور به چاپ رسیده است.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق تحلیلی- تطبیقی بوده وگردآوری اطلاعات و داده های مربوط به چوقای بختیاری به صورت کتابخانه ای و اسنادی انجام شده؛ ولی اطلاعات مربوط به چوقای طبری بسیار محدود بوده و بیشتر به صورت میدانی و از طریق مراجعه حضوری به نواحی کوهستانی (بند پی بابل) و مصاحبه با هنرمندان بافنده انجام گرفته شده است.

معرفی چوقای بختیاری

یکی از رشته های بومی صنایع دستی استان لرستان چوقا بافی ((چوخا بافی)) نام دارد. این هنر دستی در زمره صنایع دستی عشایر و زیر گروه بافته های داری قرار دارد. چوقا ((چوخا)) عبا یا پوشاکی است بلند شبیه پالتو که عشایر بختیاری از آن استفاده می کنند. قدمت چوقا به ۱۳۰ سال قبل می رسد. رنگ های به کار رفته در چوقا سفید و مشکی (سرمه ای) است که تنها خامه الوان آن (سرمه ای) را به سبک گیاهی سنتی و با ثبات بالا رنگرزی کرده و مورد استفاده قرار می گیرد .

چوقای بختیاری بالاپوش همه مردان بختیاری است که از منطقه لیوس لرستان گرفته شده و به (چوقای لیوسی) هم معروف است. این بالاپوش بدون آستین و قدش تا سر زانو ادامه دارد. نقوش چوقای بختیاری خطوط سیاه و سفید است که به صورت کنگره ای عمودی توسط بانوان عشایر بافته میشود(حاجب و همکاران: ۱۳۹۰).

چوقای بختیاری قبا یا بالاپوشی است که مردان مانند شنلی بر روی پیراهن یا کت میپوشند(عسگری عالم، ۱۳۸۴:

۱۴۹). (تصویر ۱)



تصویر ۱- چوقای بختیاری، بالاپوش مردان ایل بختیاری (افروغ، ۱۳۹۷: ۱۳).

برای بافت چوقای بختیاری از دار خوابیده استفاده می کنند و تکنیک بافت آن نیز مانند تکنیک گلیم بافی است با این تفاوت که خیلی ریز بافت تر است و تار و پود نازک دارد.

معمولا دارای دو رنگ سیاه و سفید (سرمه ای و سفید) است که به صورت قواره ای به عرض ۷۰ سانتی متر و طول حداکثر حدود ۷۰ سانتی متر بافته می شود و به دو تکه بریده شده و از به هم دوختن قطعات بریده شده، چوقا یا عبا دهقانی و عشایری حاصل می گردد. طرح نیمه بالایی از نوارهای متعدد پهن، سرمه ای یا سیاه ولی طرح نیمه پایینی فقط از چند خط تشکیل می شود. این دو نیمه را به طور افقی به هم می دوزند و حدود یک چهارم هر یک را از انتها بر می گردانند و از قسمت بالا می دوزند تا در جایی که دو انتها در برابر یکدیگر قرار می گیرند، شکاف یک جیب در جلو پدید آید. شکاف های بازو نیز در

حاشیه های بالایی ایجاد میشود(یاوری، ۱۳۸۰: ۱۰۰). (تصویر ۲)



تصویر ۲- یک نمونه چوقای بختیاری (یاوری، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

این پوشش مخصوص مردان لر (لرستان و جنوب استان، الیگودرز) و مردان بختیاری (چهار محال و بختیاری، خوزستان، کهگلویه و بویر احمد، غرب استان اصفهان) است.

معرفی چوقای طبری

واژه طبری برگرفته از نام تبرستان بوده است. تبرستان نام شهری در شمال ایران، مشهور به مازندران است. چون سلاح جنگلی اهالی آن منطقه بیشتر تبر بوده است، از آن جهت بیشتر تبرستان نامیده می شده است.

پارچه چوقای طبری جز دست بافته های روستاهای مازندران بوده و با دستگاه پارچه بافی سنتی به نام پاچال یا کرچال به صورت تافته بافته می شود. این پارچه تک رنگ و بدون طرح و نقش و با عرض ۵۰ سانتی متر و طول ۳/۵ متر بافته شده و طبق سلیقه مصرف کننده به صورت کت و شلوار و جلیغه مردانه توسط خیاط دوخته می شود (م. محسنی، مصاحبه شخصی، اردیبهشت، ۲۵، ۱۳۹۸). (تصویر ۳)



تصویر ۳- جلیغه و شلوار از جنس چوقای طبری بر تن مرد روستایی، بابل (نگارنده)

۱- شباهت چوقای بختیاری و چوقای طبری

وجه اشتراک چوقای بختیاری و چوقای طبری در مواد اولیه، نوع بافت، استحکام، و نوع کاربرد آن است.

چوقا جز دست بافته های برخی از نواحی ایران زمین نظیر لرستان، کرمانشاه، مازندران و غیره است که از پشم گوسفند و فرآیند بافت با دستگاههای بافندگی سنتی و بر اساس طرح بافت تافته در عرض حدود ۵۰ سانتی متر و طول حدود ۳/۵ متر توسط

بانوان روستایی و عشایر بافته میشود. آن ها این قطعه پارچه را تبدیل به بالاپوش مردان کرده و در اختیار مردان عشایر قرار می دهند.

۱-۱- مواد اولیه چوقا

مواد اولیه تولید هردو نوع چوقای بختیاری و طبری مشابه یکدیگر است. هردو با تازی از جنس پنبه یا پشم و پود پشمی بافته میشود.

پشم گوسفند و موی بز از گذشته در صنعت بافندگی به کار می رفته و شاید به این جهت پرورش گوسفند و بز در ایران از دوران نوسنگی آغاز گشته است (فرشاد، ۱۳۷۶: ۲۸۵).

جهت تهیه مواد اولیه چوقای بختیاری و طبری ابتدا اقدام به پشم چینی گوسفندان می کنند. این کار به طور معمول در اواخر بهار و اوایل تابستان انجام میشود. از این رو، در روز مورد نظر چوپانان گوسفندان را به مکانی در اصطلاح محلی کره (kare) خوانده می شود، می برند. در آن جا پاهای گوسفندان را می بندند با ابزاری به نام چهره (chahre) که شبیه فیچی است اقدام به چیدن پشم گوسفندان می کنند (احمدی آنزان، ۱۳۸۵: ۳۱).

پشم های چیده شده را شسته و روی سنگ های بزرگ پهن می کنند تا خشک شوند و با ابزاری به نام شانه، از هم جدا می کنند و با می ریسند.

در هر حال مواد اولیه ی چوقا را نخ پشمی و نخ پنبه ای تشکیل می دهد. ضمن آنکه باید گفت چوقا می تواند تماما از نخ پشمی یا تماما از نخ پنبه ای و یا با استفاده از نخ پنبه ای (معمولا نمره ۱۰) به عنوان تار و نخ پشمی به عنوان پود، تولید شود که نوع تار و پود پنبه ای آن معمولا مخصوص فصل تابستان است و در فصول دیگر سال کاربرد چندانی ندارد (یاوری، ۱۳۸۰: ۱۰۰).

برای بافت چوقای متوسط، حدود یک کیلو گرم نخ پنبه ای و یک کیلو خامه پشمی بکار میرود (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

۱-۲- نوع بافت چوقا

با عبور نخ پود از لابه لای نخ های تار، توسط بافنده، پارچه چوقا بافته میشود. تارهای زوج و فرد به ترتیب از هم دور شده و دهنه را باز می کند تا نخ پود با کمترین برخورد از بین نخ های تار عبور کند و توسط شانه به هم نزدیک می شوند تا تراکم پارچه بالا برود. نوع بافت پارچه چوقا تافته است و شبیه گلیم بافته می شود.

جهت بافت پارچه چوقا از یک دسته نخ تحت عنوان سرنخ های تار، که غالبا از جنس پنبه بوده و یک دسته نخ پود که از جنس پشم است استفاده میشود تا چوقا با ماهیت اصلی بافته شود. برای بافت چوقا حدود یک تا سه ماه زمان نیاز است تا بافنده با تجربه و حرفه ای این پارچه را به اتمام برساند. عرض پارچه چوقا متناسب با عرض دستگاه پارچه بافی و شانه، حدود ۴۰ الی ۵۰ سانتی متر می باشد (غلامرضا پور، ۱۳۹۷: ۷۰).

۱-۳- استحکام چوقا

نوع بافت پارچه ی چوقا تافته است که دارای بیشترین استقامت و استحکام کششی است، زیرا تعداد پیوستگی این نوع بافت از سایر بافت ها بیشتر است و برای پوشش مردان عشایر بسیار مناسب است.

قطر و استحکام این پارچه به قدری است که در زمستان، هنگام بارش برف در کوهها، آب به هیچ وجه از لابه لای پرزهای آن عبور نمیکند و این ویژگی برای چوپانان بسیار مهم است (کلانتر، ۱۳۸۸: ۴۳۹)

۱-۴- کاربرد چوقا

این تن پوش سنتی امروزه بیشتر میان عشایر مرسوم است. البته ساکنان روستاهای تحت مطالعه نیز در عروسی های محلی گاهی چوقا به تن می کنند (هیبتیان، ۱۳۸۷: ۳۴۷).

چوقا دارای دو نوع تابستانی و زمستانی است. نوع تابستانی آن از نخ پنبه ای و پشمی است و نوع زمستانی آن تماما با نخ پشمی بافته می شود (حاجب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵).

به علت مترکم بودن بافت هر دو نوع چوقای بختیاری و طبری و همچنین پشمی بودن آن، عایق حرارتی بوده و تا حدودی مانع نفوذ باران می شود؛ به همین دلیل چوقا در کلیه فصول سال مورد استفاده قرار می گیرد. مردان در تابستان در زیر چوقا، پیراهن و در زمستان لباس گرم می پوشند.

هنگامی که هوا سرد باشد چوقای بختیاری را با بستن شالی در کمر به دور آن به بدن محکم می بندند تا باد و سرما در آن نفوذ نکند. هنگام گرما و یا در حال کوه پیمایی دامن چوقا را از پایین تا کرده به کمر یا شانه حائل می کنند تا دامن آن دست و پای فرد را نگیرد.

۲- تفاوت چوقای بختیاری و چوقای طبری

وجه تمایز چوقای بختیاری و طبری در عواملی نظیر: نخ ریزی، دستگاه بافندگی، طرح و رنگ، مدل دوخته شده آن است.

این تفاوت ها در چوقای بختیاری و چوقای طبری؛ تحت تاثیر عوامل گوناگون از جمله ویژگی های بوم شناختی منطقه قرار دارند. ویژگی های هر تن پوش در نگاه نخست، قومیت، حوزه زندگی، زبان و دیگر ویژگی های فرهنگی، حتی مذهب و اشتغال های اصلی زندگی آنان را در ذهن بیننده تداعی می نماید.

۲-۱- نخ ریزی چوقا

برای انجام نخ ریزی چوقا، نیاز به مهارت و تجربه بسیار است تا نخ پشم ریسیده شده در تمام طول فرآیند با یک قطر و زیر دستی هماهنگ و یکنواخت ریسیده شود؛ در غیر این صورت پارچه بافته شده زیر دست صافی نخواهد داشت و وجود نپ و موج های ناموزون در بافت مشخص می شود (غلامرضا پور، ۱۳۹۷: ۵۹).

۲-۱-۱- نخ ریزی چوقای بختیاری

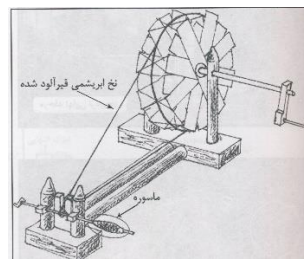
اغلب زنان بختیاری که الیاف چوقا را می ریسند، ناخن شصت دست چپشان را مدتی بلند می گذاشتند، آنگاه سوراخ کوچکی در ناخن بلند خود ایجاد می کردند و پشم را از آن عبور می دادند و به شکاف یک دوک کوچک متصل میکردند. پشم در حد سوراخ ناخن از آن عبور کرده و با حرکت دورانی دوک تبدیل به نخ نازک و یکنواختی میگردد (دیگار، ۱۳۶۶: ۱۵۱). (تصویر ۴)



نصویر ۴- نخ ریزی الیاف پشم برای چوقای بختیاری (نوجیان، ۱۳۹۵)

۲-۱-۲- نخ ریزی چوقای طبری

جهت رسیدن پشم برای بافت چوقای طبری از ابزاری نظیر چل و دوک استفاده می‌گردد (نوری و همکاران؛ ۱۳۹۶، ۱۵۵). دستگاه نخ ریزی چلا یا چل از دو چرخ بزرگ و کوچک تشکیل شده که چرخ بزرگ به وسیله یک دسته به چرخش در می‌آید و به وسیله طنابی به چرخ کوچک تر منتقل می‌شود. برای این کار ماسوره را درون میله ی میگذارند و سپس با چرخاندن دسته چرخ بزرگتر دستگاه، در بخش کوچک تر، نخ با سرعت فراوان به دور ماسوره پیچیده میشود (کلانتر؛ ۱۳۸۸، ۴۳۰). (تصویر ۵)



تصویر ۵- دستگاه نخ ریزی چل یا چلا، تبدیل الیاف پشم به نخ برای بافت چوقای طبری (کلانتر، ۱۳۸۸: ۴۴۱).

۲-۲- دستگاه بافندگی چوقا

دستگاه بافندگی سنتی عموماً چوبی و اندازه های آن برای بافت پارچه های مختلف متفاوت است. هرچه عرض پارچه بیشتر باشد، به همان نسبت عرض پارچه تولیدی توسط آن نیز زیاد تر خواهد بود.

چوقای بختیاری و طبری جزء بافته های عشایری است که با دو نوع دستگاه پارچه بافی سنتی متفاوت بافته می شود: دار زمینی، دستگاه پدالی (وردی).

عرض پارچه های چوقا مطابق عرض دستگاه پارچه بافی مخصوص خود، حدود ۵۰ - ۶۰ سانتی متر است.

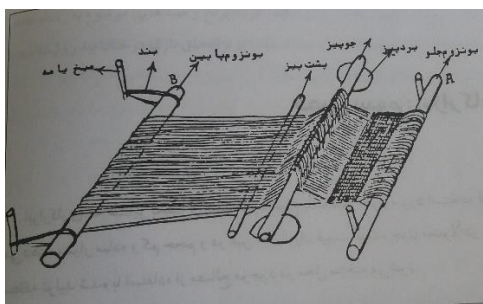
۲-۲-۱- دستگاه بافندگی چوقای بختیاری

فن بافت چوخای بختیاری از نوع پود نما و از خانواده گلیم بافت ها می باشد با این تفاوت که خیلی ریز بافت تر است و تار و پود نازک دارد. اندازه لت یا قطعات بافته شده چوخا طول ۲/۵ الی ۳/۵ متر و عرض ۵۰ الی ۷۰ سانتی متر است (افروغ، ۱۳۹۷).

برای بافت چوقای بختیاری از دار بافندگی یا تمدار، ملار، کرکیت و شانه استفاده میشود (احمدی آنزان، ۱۳۸۸: ۳۲).

در دستگاه پارچه بافی افقی یا زمینی نخ های تار بین دو غلتک افقی تحت کشش قرار میگیرند که غلتک ها با چهار عدد میخ به زمین کوبیده و نگهداری می شوند. این دستگاه یک شانه ثابت دارد که چند سانتی متر بالاتر از سطح زمین نگهداری می شود. بعد از هر بار پود گذاری، نخ پود با یک چوب صاف کاملاً زده میشود. اندازه دستگاه، طول پارچه ای را که بافته میشود را مشخص می کند. نوعی از این دستگاه را عشایر خاورمیانه هنوز به کار می برند و از مزایای آن این است که به راحتی از یکدیگر جدا می شود و سپس حمل میگردد (طالب پور، ۱۳۹۲: ۱۳).

این دار از دو تیرک چوبی به نام (بونزوم) یا (چوتمدار) تشکیل شده است که استوانه چوبی جلوکار که با حرف A مشخص شده (بونزوم جلو) و استوانه چوبی دیگر که با حرف B مشخص گردیده (بونزوم پایین) نامیده میشود (قاضیانی، ۱۳۷۶: ۷۰). (تصویر ۶)



تصویر ۶- دار بافندگی چوقای بختیاری، دار یا تمدار (قاضیانی، ۱۳۷۶: ۷)

ابتدا روی دستگاه های ساده بافت، نواری با عرض حدود ۵۰ تا ۷۰ سانتی متر و طول ۲/۵ متری بافند که این نوار از دو قسمت مساوی و متفاوت تشکیل می شود. در طول آن نوارهایی به عرض یک سانتی متر با بافت یک ردیف نازک نخ مشکی، جدا می شود و در یک قسمت همین بافت ساده که راه است ادامه می یابد و در قسمت دیگر دارای نقش پله ای به رنگ مشکی می بافند (آهنجده، ۱۳۷۸: ۲۱۲).

آن گاه قطعه ای به طول ۲/۵ متر در ۵۰ سانتی متر می بافند. پس از اتمام قطعه ای آن را از وسط در جهت عرض می برند و تبدیل به دو قطعه به عرض ۵۰ سانتی متر و طول ۱/۲۵ متر میکنند. این دو قطعه را در جهت طولشان به هم میدوزند و مستطیلی به عرض یک متر و طول ۱/۲۵ متر به دست می آید. در قسمت طول بالای این مستطیل، در حدود ۲۵ سانتی متر کنار برده آن، دو شکاف عمودی به طول ۲۰ سانتی متر برای گذراندن بازوها به وجود می آورند. سپس پارچه را در امتداد این شکاف تا می کنند به نحوی که دو قسمت تا شده روی پارچه برمی گردد و جلو چوقا را تشکیل می دهد. روی شانه ها را می دوزند و لبه ی بریده شده را تو می گذارند. دو عدد بند کوتاه که در انتهای هر کدام از آن ها منگوله ای قرار دارد به زیر بغل ها دوخته میشود. داخل آن را می توان آستر دوخت و جیبی هم در آن گذاشت (دیگار، ۱۳۶۶: ۲۴۸). (تصویر ۷)



تصویر ۷- زن عشایر در حال بافت چوقای بختیاری (راه دانا، ۱۳۹۷)

چوقا را به صورت دوتخته جدا می‌بافند. هر چوقایی از دو تخته تشکیل شده است. قسمت پایین آن را (میل) و قسمت بالای آن را (میل و توه) می‌گویند. حلقه آستین در قسمت میل و توه قرار دارد. به این قسمت (زیر چل) می‌گویند. جلوی آن کاملاً باز و فاقد آستین است (هیبتیان، ۱۳۸۷: ۳۴۷). (تصویر ۸)



تصویر ۸- زن عشایر در حال تهیه یبالاپوش مردان با چوقای بختیاری (راه دانا، ۱۳۹۷).

۲-۲-۲- دستگاه بافندگی چوقای طبری

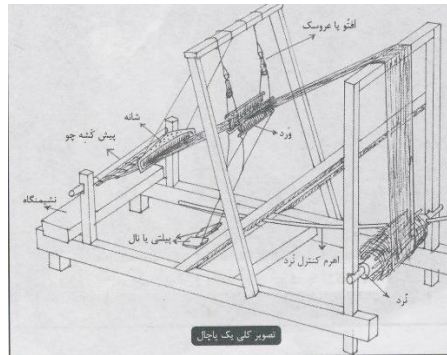
برای تهیه پارچه چوقای طبری در مناطق مازندران و بابل از دستگاه بافندگی سنتی کرچال استفاده می‌گردد (نوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

کرچال دستگاه پارچه بافی وردی است؛ به طوری که دهنه کار با وردها ایجاد می‌شود. وردها با پدال هایی همراه با حرکت پاها، بالا و پایین می‌روند. لذا دست‌ها آزاد هستند و می‌توانند نخ پود را به راحتی عبور دهند. بنابراین سرعت تولید پارچه افزایش می‌یابد و همچنین پارچه بلندتری بافته می‌شود؛ زیرا یک چله ی خیلی بلند روی غلتک تار پیچیده می‌شود (طالب پور، ۱۳۹۲: ۱۳).

این دستگاه به دو صورت نصب می‌شود؛ در حالت اول محل قرار گیری پاها درون گودالی مستطیلی در زمین قرار دارد. بافنده بر ضلع کوچک گودال نشسته و پاهایش را درون زمین می‌گذارد، به همین دلیل آن را پاچال می‌نامند (تصویر ۹). در حالت دوم برای بافنده نشیمنگاهی تهیه می‌کنند که او را از سطح زمین جدا می‌کند و پدال‌های دستگاه که به آن نال یا پلیتی می‌گویند روی زمین قرار می‌گیرد که آن را کرچال می‌نامند (تصویر ۱۰). نوع اول در حقیقت قطعاتی جدا از هم است که به سقف و زمین متصل می‌شود؛ اما نوع دوم یک دستگاه یکپارچه و کامل است که درودگر می‌سازد (کلانتر، ۱۳۸۸: ۴۳۴).



تصویر ۹- تصویر دستگاه بافندگی چوقای طبری، نوع اول، پاچال. (کلانتر، ۱۳۸۸: ۴۴۸)



تصویر ۱۰- تصویر دستگاه بافندگی چوقای طبری، نوع دوم، کرچال. (کلانتر، ۱۳۸۸: ۴۴۹)

برای بافت پارچه چوقای طبری با دستگاه کرچال، بافنده این گونه عمل می کند:

در زیر پای بافنده پدال متصل به وردهای دستگاه قرار دارد که دو به دو بالا و پایین رفته و دو دسته تار را از هم باز می کند که به اصطلاح دهنه ایجاد می گردد و در این حال با عبور ماکو از وسط دهنه، پود گذاشته می شود. سپس با عوض کردن پاها، دو ورد دیگر را به حرکت در آورده و بافت را مانند آنچه گفته شد، ادامه می دهد. در این حالت پارچه چوقای طبری با بافت تافته و بدون هیچ طرح اندازی و به صورت یک رنگ آماده می شود (ر. مهدی زاده، مصاحبه شخصی، اردیبهشت، ۲۵، ۱۳۹۸).

۲-۳- طرح و رنگ

در میان فرهنگ اقوام ایرانی از دیرباز رنگ ها نقش مهمی داشتند و بیان کننده مفهوم خاصی نیز بودند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۹).

رنگ و طرح در پوشش قومیت های ایرانی دارای جنبه های نمادین است و در بعضی مواقع نشان دهنده پوشش گیاهی و حیوانی آن مناطق رقم می خورد.

رنگ و طرح چوقای بختیاری و طبری متفاوت از یکدیگر بوده و متناسب با مواد اولیه در دسترس آن مناطق است.

۲-۳-۱- طرح و رنگ چوقای بختیاری

چوقا در زبان لری به معنای قله منفردی است که دور آن را زمین هموار احاطه کرده است و این مصداق مناسبی برای نقش چوقای بختیاری است.

نقوش کنگره ای در دوران هخامنشی و اسطوره های ایرانی نشان می دهد که قدمت نقش چوقای بختیاری به دوران پیش از اسلام می رسد.

طرح اندازی در چوقای بختیاری دارای ساختاری ساده است که در گذشته جنبه و مفهوم نمادین داشته، اما به تدریج به عنصری تزئینی و فرآیندی حفظی باف و تکراری تبدیل گشته، به گونه ای که بافنده گان پاسخی برای این پرسش که ریشه و خاستگاه این نوع طرح و خطوط انتزاعی کجاست، ندارند (افروغ، ۱۳۹۷: ۱۱).

طرح اندازی بافت چوقای بختیاری بدون هیچ الگو، مدل، طرح یا نقشه کاری و تنها بر اساس ارث و حافظه ذهنی بافته می شود. برای بافت چوقای متوسط، حدود یک کیلو گرم نخ پنبه ای و یک کیلو خامه پشمی بکار می رود (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

طرح چوقا، طرحی کنگره ای شکل و مخروطی به رنگ سیاه و سفید و در هم فرورفته در جهت بالا و پایین و به صورت فضاهای مثبت و منفی است (افروغ، ۱۳۹۷: ۱۱). (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱- چوقای بختیاری با کنگره های سیاه و سفید در جهت های مخالف (افروغ، ۱۳۹۷: ۱۳).

چوقای بختیاری تنها از دو رنگ سیاه و سفید بهره برده شده است و نقوش کنگره ای دارد که در بسیاری از پژوهش ها از جنبه های نمادین بسیاری مورد بررسی قرار داده اند:

نماد چغازنبیل: برخی اعتقاد دارند که واژه چوقا هم ریشه با همان واژه (چغا) به معنی تپه و بلندی است و چغازنبیل به معنی محل خدای یگانه است که نام زیگوراتی است که در نزدیکی شهر شوش قرار دارد (فعال محمد علی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹). این نشان میدهد که بختیاری ها قرن ها پیش از مسیحیت و اسلام و در دوره پیشا تاریخی به خدای یگانه، روشنایی و تاریکی و خیر و نیکی، ایمان داشتند (مددی، ۱۳۸۶: ۹۳).

نماد عالم اسرارالغیب: در چوقا خط راست، مظهر تعداد بی نهایت نقطه است که از آن می توان بی نهایت به جلو یا عقب حرکت کرد. خط راست معرف پاک نهادی و عدم انحراف از کردار راست است (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

نماد فرشته نیک و شیطان: رنگ سفید در چوقای بختیاری نماد سپنتامینو (فرشته نیک) است که از پایین به سمت بالا می روند و نشان از حرکت به سمت بالا میدهد، این پله های سفید به معنی اوج آگاهی است. سیاه نماد انگره میتو (اهریمن) بوده که به سمت زمین نشانه می رود و انسان را به منیت می کشاند (مددی، ۱۳۸۶: ۹۴).

نماد اعتقادات دینی: تضاد دو رنگ سیاه و سفید در چوقای بختیاری، ریشه در هویت فرهنگی ایرانی دارد که سفیدی را نماد سعادت مندی دانسته و سیاهی را بدبختی مینگاشتند. از این جهت در چوقای بختیاری تنها این دو رنگ نمادین بافته می شود که ناشی از اعتقادات دینی این مردمان به جهان غیر مادی است (احمدی آنزان، ۱۳۸۸: ۳۵).

نماد بیلاق و قشلاق: با توجه به کوچ بیلاقی و قشلاقی ایل و عشایر بختیاری، رنگ سیاه نمادی از سردی و بیلاق و رنگ سفید نمادی از گرمی و قشلاق تلقی می شود که بافنده ایلی هوشمندانه سعی در بیان آن به صورت نمادین داشته است (افروغ؛ ۱۳۹۷، ۱۰). زن بختیاری راه کوچ کردن را به صورت خطوط موازی هاشور خورده به معنی آن که فرزندان راهیم و همیشه رحیل دیارهای دوردست هستیم در نظر گرفته و در چوقا نقش می بندد (عنصری، ۱۳۸۰: ۸۲).

در رابطه با نقوش چوقا همچنان نقل قول های زیادی وجود دارد از جمله عده ای اعتقاد دارند نقوش هندسی چوقا برگرفته از شاخ های گوسفند نر بزرگ که نقش رهبری گله را به عهده دارد و نمادی از صلابت، قدرت، ایستادگی است که به مرور خطوط هندسی کمی تغییر کرده و از شکل آن دور شده است.

۲-۳-۲- طرح و رنگ چوقای طبری

رنگ پارچه چوقای طبری طبیعی بوده و تحت تاثیر رنگ الیاف پشم می باشد؛ به طوریکه پارچه چوقا به رنگ پشم گوسفندان محیط قابل تشخیص است.

با توجه به رنگ طبیعی پشم گوسفندان اطراف مازندران، پارچه چوقای طبری دارای پارچه ای یک رنگ نظیر: سفید، سفید شیری، قهوه ای، قهوه ای روشن می باشد (نوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

پارچه چوقای طبری بدون هیچ طرح و نقشی و به صورت تک رنگ بافته می شود و برای دوخت کت و شلوار و جلیغه بسیار مناسب است (م. محسنی، مصاحبه شخصی، اردیبهشت، ۲۵، ۱۳۹۸).

۲-۴-۲- انواع مدل بالاپوش چوقا

پارچه چوقای بختیاری یا طبری پس از بافته شدن طبق سلیقه مصرف کننده به بالاپوشی شبیه پالتو، عبا، کت، شلوار و جلیغه دوخته شده و به سبب فیزیک خاص، فرم و ساختار آن به پوشنده خود صلابت می بخشد.

۲-۴-۱- چوقای بختیاری

چوقا یا چوغای بختیاری که به عبا، دهقانی و عشایری نیز معروف می باشد، در واقع کت بلند و بی آستینی است که مردان عشایر و روستایی به خصوص در استان های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، گیلان و اصفهان به صورت عبا روی لباس های دیگر خود می پوشند (سید صدر، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

۲-۴-۲- چوقای طبری

پارچه چوقای طبری جهت مصارفی نظیر کت و شلوار و یا جلیغه و همچنین جهت استفاده به عنوان خرج کار لباس مورد استفاده قرار می گیرد (غلامرضاپور، ۱۳۹۷: ۷۱).

چوقای طبری پارچه ای یک رنگ است که در بعضی از روستاهای اطراف مازندران برای تهیه ی پوشش زمستانه و لباس کار و یا کت و شلوار مردانه استفاده می شود.

نتیجه

با بررسی دقیق به این نتیجه رسیدیم که بعضی از پژوهش های گذشته مربوط به چوقا گاهها اشتباه و یا ناقص بوده است. به طوری که بعضی از نویسندگان، چوقا را مخصوص مردان ایل بختیاری دانسته و گاهها نوشته اند که چوقا نام لباسی است که از طریق نمد مالی و بدون بافت تهیه می شود؛ در صورتی که این طور نیست. چوقا تنها نام پارچه ای سنتی است که مربوط به قشر خاصی از جامعه نبوده و در مناطق مختلف ایران، توسط زنان بافنده، با دستگاه پارچه بافی سنتی تهیه شده و پس از دوخت به مصرف کننده تحویل داده می شود.

به همین دلیل در این پژوهش هر دو پارچه ی چوقای بختیاری و چوقای طبری به طور کامل معرفی شده و تمایزات و تشابهات آن دو مورد بررسی قرار داده شده است.

نتایج نشانگر آن است که هر دو چوقای بختیاری و چوقای طبری قدمتی بیش از صد سال دارد و از مواد اولیه ی طبیعی (پشم گوسفند و بره) ساخته شده و از این جهت سازگار با محیط زیست است. این دو نیز توسط دستگاه بافندگی سنتی چوبی و با بافت تافته تهیه شده و دارای استحکامی بسیار زیاد بوده و مناسب مردان عشایر است؛ زیرا آنها را در برابر گرما و سرما محافظت نموده و مناسب برای تمام فصول است و ساختاری با صلابت به آنها می بخشد.

از تمایزات شایان چوقای بختیاری و چوقای طبری می توان به نوع نخ ریسی، نوع دستگاه بافندگی، طرح و رنگ و مدل بالاپوش اشاره کرد.

نخ ریسی چوقای بختیاری با حرکت دورانی دوک و عبور نخ از سوراخ ناخن شصت است ولی نخ ریسی چوقای طبری با دستگاه (چل - چالا) انجام می شود.

دستگاه بافندگی چوقای بختیاری به صورت خوابیده (تمدار) است ولی برای بافت چوقای طبری از دستگاه بافندگی وردی و پدالی (پاچال - کرچال) استفاده می کنند.

چوقای بختیاری معمولاً دارای دو رنگ سیاه و سفید (یا سرمه‌یی و سفید) است که به صورت قواره‌ای به عرض ۷۰ سانتیمتر و طول حداکثر حدود ۳۵۰ سانتیمتر بافته می‌شود و به دو تکه بریده شده و از به هم دوختن قطعات بریده شده، چوقا حاصل می‌گردد. طرح نیمه بالایی چوقا از نوارهای متعدد پهن، سرمه‌ای یا سیاه ولی طرح نیمه پایینی فقط از چند خط تشکیل می‌شود. اما چوقای طبری بدون نقش و به صورت تک رنگ بوده و با عرض حدود ۵۰ سانتی متر و طول مورد نیاز مصرف کننده بافته می‌شود. در این پارچه از رنگرزی استفاده نمی‌شود و با پشم طبیعی به رنگ های (سفید، شیری، قهوه ای) بافته می‌شود.

مردان لرستان و ایل بختیاری پارچه چوقا را تبدیل به عبا کرده و مانند کت بلند و بی آستین بر روی پیراهن خود می پوشند؛ در حالی که مردان عشایر مازندرانی این پارچه را به صورت کت، شلوار و جلیغه می دوزند و در زندگی روزمره خود استفاده می کنند.

با در نظر گرفتن اینکه تنها نام و مواد اولیه و روش بافت در این دو نوع چوقا مشابه است، نگارنده این دو را فاقد تشابه دانسته و به این نتیجه رسیده که این نکته در اکثر بافته های سنتی صادق می باشد.

با انجام این پژوهش چنان نتیجه گرفته شد که اگر پارچه های سنتی و اصیل ایران درست مورد بررسی قرار گرفته شود؛ می توان آن ها را راحت تر شناسایی کرد و در زندگی امروزه بیشتر استفاده کرد. این کار نقش به سزایی در حفظ صنایع دستی کشور داشته و باعث احیای آن می شود.

امید می رود که پژوهشگران در نشر مطالب اشتباه نقش کمتری داشته باشند و پس از بررسی و مشاهدات دقیق به بیان مطالب خود بپردازند.

سپاسگذاری

شکر و سپاس خدای را که هرچه دارم از اوست.

این مطالب با حمایت و پشتیبانی مدرس دانشگاه علم و فرهنگ تهران (خانم دکتر شهره فضل وزیری) جمع آوری شده و نگارنده کمال تشکر را از زحمات بی دریغشان دارد.

نگارنده بر خود لازم می داند که از آقای دکتر جواد نوری، نویسنده و مدرس دانشگاه مارلیک نوشهر، که در شناسایی بافندگان قدیمی چوقای طبری ساکن جنگل های انجیلک، کمک شایانی کرده اند؛ نهایت سپاسگذاری را داشته باشد.

همچنین از سرپرست دفتر حمایت از تولید صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی (فرهاد غلام علی فلاح) قدر دانیم که با معرفی آقای روح الله مهدی زاده به عنوان مدیر فنی تنها کارگاه کرچال بند پی شهر بابل، راه را برای شناسایی چوقای طبری هموار تر کردند.

پی نوشت

۱. طبری: تبری، تبرستان؛ نام شهری در شمال ایران که امروزه آن را مازندران می نامند.
۲. طبرستان: این قوم در روزگاران پیش از اسلام در مکان فعلی ساکن شده اند و چون نام قوم آنان طبر یا تپور بوده، آن مکان را به نام شان نام گذاری کرده اند.
۳. تپورها: اقوام ایرانی تبار و از سکاها بودند که در زمان اشکانیان به ناحیه ی جنوب دریای مازندران کوچانده شدند.
۴. رماتیسم: درد مفاصل، کسانی که بیشتر در مناطق مرطوب زندگی می کنند به آن مبتلا می شوند.
۵. نپ: گره خوردگی الیاف، در نخ هایی با کیفیت کم دیده می شود.
۶. چل ریزی: چرخ نخ ریزی، ابزاری برای تبدیل الیاف پشم به نخ.
۷. تمدار: دار بافندگی خوابیده در عشایر به ویژه بختیاری. برای انواع دست بافته های افقی است. جمع کردن و باز کردن آن و همچنین حمل و نقل آن در زمان کوچ آسان است.

۸. کرچال/پاچال: دستگاه پارچه بافی سنتی که اغلب بانوان در شمال ایران با آن پارچه هایی همچون چادر شب، گلیم، جاجیم و.. می بافند.
۹. بندپی: روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان بابل در استان مازندران ایران که بانوان زیادی به واسطه کار با دستگاه کرچال معیشت خود را می گذرانند.

منابع و مآخذ

- افروغ، محمد (۱۳۹۷). زنان بختیاری: آفرینندگان چوقا، نمودی از هنر ایلی و عشایری و نماد هویت قومی. ماهنامه علمی و تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی. شماره ۳: صفحه ۱-۱۶.
- احمدی آنزان، کورش (۱۳۸۸). چوقا، پوشاک سنتی بختیاری. فصل نامه فرهنگ مردم ایران. شماره ۱۸: صفحه ۲۹-۴۵.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۷۸). ایل بختیاری. تهران: انتشارات دشتستان.
- آهنجده، اسفندیار (۱۳۷۸). چهار محال و بختیاری و تمدن دیرینه آن. اصفهان: انتشارات مشعل.
- حاجب، انسیه و پورباقی، رها و پیوندی، پدram (۱۳۹۰). مطالعه پوشاک سنتی قوم بختیاری و استفاده از مشخصه های آن در طراحی لباس های ایرانی-اسلامی. سومین کنفرانس ملی مهندسی نساجی و پوشاک. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- دیگار، ژان پیر (۱۳۶۶). فنون کوچ نشینان بختیاری. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- سید صدر، سید ابوالقاسم (۱۳۹۰). دایره المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن. چاپ سوم. تهران: انتشارات سیمای دانش.
- شبکه اطلاع رسانی راه دانا (۱۳۹۷). هنر چوقا بافی/تصاویر. منتشر شده در مورخ: ۱۳۹۷/۱۲/۰۸. شناسه خبر: ۱۴۶۳۲۲۳.
- طالب پور، فریده (۱۳۹۲). تاریخ پارچه و نساجی در ایران. تهران: مرکب سفید. دانشگاه الزهرا.
- عسگری عالم، علیمردان (۱۳۸۴). فرهنگ واژگان لری و لکی. خرم آباد: نشر افلاک.
- عنصری، جابر (۱۳۸۰). مردم شناسی و روان شناسی هنر. تهران: انتشارات رشد.
- غلامرضا پور، سهیلا (۱۳۹۶). سیر تحول پارچه چوقا طبرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، گروه هنر، دانشکده مارلیک.
- فرشاد، مهدی (۱۳۷۶). تاریخ مهندسی در ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی هنر.
- فعال محمدعلی، سمیه و جلالی جعفری، بهنام (۱۳۹۳). مهبان وحدت (تاویل وحدت در دور اونتاش). فصل نامه تخصصی آموزشی و پژوهشی عکس و گرافیک. شماره ۵: صفحه ۱۳۴-۱۴۳.
- کلانتر، علی اصغر (۱۳۸۸). معرفی بافته های دستگاهی روستایی در اسره شامل ازار، ساچین، چوغا، سوف. مجموعه مقالات نخستین گردهمایی گنجینه های از یاد رفته هنر ایران. نشر شادرنگ. جلد سوم: صفحه ۴۲۷-۴۵۹.

کوپر، جین (۱۳۷۹). فرهنگ مصور نمادهای سنتی. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: انتشارات رشد.

مددی، حسین (۱۳۸۶). نماد در فرهنگ بختیاری. اهواز: انتشارات مهزیار.

محسنی، م (۱۳۹۸). مصاحبه شخصی. بابل: دوزنده چوقای طبری.

موسوی بجنوری، کاظم (۱۳۶۷). دایره المعارف بزرگ اسلامی. جلد ۴. تهران: انتشارات دایره المعارف بزرگ اسلامی.

مهدی زاده، ر (۱۳۹۸). مصاحبه شخصی. بابل: مدیر کارگاه کرچال بند پی.

نوچیان، آرش، (۳مهر ۱۳۹۵). نخ ریزی یکی از زنان عشایر بختیاری در چلگرد، <http://www.asreizeh.com> /نخ-ریزی - یکی-از-زنان-عشایر-بختیاری-در-چلگ.

نوریان، جواد و وحیدیان، ماه ریز و غلامرضا پور، سهیلا (۱۳۹۶). طراحی و بافت پارچه. تهران: انتشارات جمال هنر.

هیبتیان، فیروزه (۱۳۸۷). مطالعات مردم نگاری روستاهای واقع در حوزه آبیگری سد و تونل سوم کوهرنگ. چهار محال و بختیاری: پژوهشکده باستان شناسی و سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان چهار محال و بختیاری.

یاوری، حسین (۱۳۸۰). نساجی سنتی ایران. تهران: انتشارات سوره مهر.

Abstract

Chogha is the name of textile that weave by women's tribe in different province of Iran like: Lorestan, Kermanshah, Mazandaran, Isfahan and etc... which has woven about 50 centimeters wide and 450 centimeters long with vertical or horizontal loom and after cut and sewing it became masculine wrapper. Its raw material is sheep wool, because of that it is an insulation and make it to be useful in all seasons. In lots of researches is mentioned only one type of Chogha in Lorestan that relates to men's clothes of Bakhtiari tribe. But surveys have declared that another sample of them woven in rural province of northern of Iran and also being used by men in this areas. The cause of existence two variations of Chogha in different province of Iran, with many differences and similarities, remains unclear but by comparing this two, can better identify traditional Iranian textiles and have a role in their revival. The purpose of this study is to identify and identity two type of forgetting woven pieces called Bakhtiari Chogha and Tabari Chogha that are similar in name and some content and in some cases have differences. The research method in this study is comparative analytic. The results show that both Chogha have similar name, raw material, texture, strength and usage. And they have significant differences in the type of spinning, loom, design and color and wrapper model.

Keyword: Chogha, Bakhtiari, Tabari